

## صهیونیسم و بنیادگرایی اسلامی، دو جلوه از سیاست‌های امپریالیستی!

منطقه‌ای که در حد فاصل غرب رود اردن و دریای مدیترانه واقع گردیده به خاطر موقعیت ژئو-اکنومیک و ژئو-پلیتیک خود، همواره در طول تاریخ مورد توجه اقوام مختلف قرار گرفته است. این موقعیت‌ها از یک سو ناشی از خاک حاصل‌خیز این منطقه، مجاورت آن با دریای مدیترانه و همچنین قراردادن بر سر راه‌های بازرگانی و از سوی دیگر محل تلاقی تمدن‌های بزرگ تاریخی هم‌چون بابل، کلد، مصر و یونان بوده است.

از لحاظ تاریخی، نام این منطقه در عصر کهن کنعان بوده و از تمدن روم به این سو با نام فلسطین شناخته شده است و در حال حاضر سکونت‌گاه دو قوم سامی عرب و یهود است. در سال ۱۷۸۱ شلوتزر اتریشی اصطلاح اقوام سامی را برای نام‌گذاری اعراب و یهودیان به کار می‌برد. این اصطلاح برگرفته از روایات تورات می‌باشد که سام پسر نوح بوده است.

در عصر جدید، اولین موج مهاجرت یهودیان به فلسطین به سال ۱۸۸۱ برمی‌گردد، یعنی زمانی که یهودیان طبق عقاید سوسیال - صهیونیستی اقدام به خرید زمین از دولت عثمانی و زمین‌داران عرب می‌نمودند.

در سال ۱۸۹۷ جنبش ایدئولوژیک و سیاسی صهیونیسم توسط تنودور هرتسل، روزنامه‌نگار یهودی اتریشی - مجاری، پایه‌گذاری شد. با تشکیل جنبش صهیونیستی، موج دوم مهاجرت یهودیان به فلسطین شکل گرفت که در فاصله‌ی ۱۰ سال یعنی از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ تقریباً ۴۰۰۰۰ نفر از آنان به این منطقه نقل مکان کردند.

در سال ۱۹۱۷ آرتور جی. بالفور، وزیر خارجه‌ی وقت انگلستان، با انتشار اعلامیه‌ی که مصوبه‌ی دولت انگلیس بود، از در نظر گرفتن فلسطین به عنوان سرزمینی برای یهودیان حمایت کرد. پس از جنگ جهانی اول، موج‌های سوم و چهارم مهاجرت یهودیان تا سال ۱۹۲۹ ادامه یافت. در سال ۱۹۳۳، با شکل‌گیری نازیسم در آلمان و رشد یهودی‌ستیزی، پنجمین موج مهاجرت یهودیان آغاز می‌گردد و نسبت جمعیت آنان در فلسطین از ۱۱ درصد در سال ۱۹۲۲ به ۳۰ درصد در سال ۱۹۴۴ افزایش می‌یابد. این موضوع با پایان جنگ جهانی دوم و اعلام "هولوکاست" در اروپا بازهم فزونی گرفت. آخرین موج وسیع مهاجرت نیز با فروپاشی شوروی شکل گرفت و ۳۸۰ هزار نفر از یهودیان آن به اسرائیل رفتند.

قبل از جنگ جهانی اول، فلسطین تحت سلطه‌ی امپراتوری عثمانی قرار داشت. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و متلاشی شدن امپراتوری عثمانی توسط استعمار انگلیس و فرانسه، فلسطین تحت قیمومت انگلستان قرار می‌گیرد. اما اهمیت استراتژیک فلسطین باعث می‌گردد که سرمایه‌های امپریالیستی انگلیس در ۱۴ مه ۱۹۴۸، چند ساعت پیش از پایان حاکمیت‌شان بر فلسطین، تشکیل رژیم اسرائیل را در فلسطین اعلام کنند.

پیش از اعلام تشکیل دولت اسرائیل، همان‌طور که قبلن گفته شد توسط هرتسل و اعلامیه‌ی بالفور پوشش مذهبی سیاسی اجراء این سیاست را نیز در قالب بنیادگرایی یهودی و با نام "صهیونیسم" ایجاد کرده بودند. اصطلاح "صهیونیسم" را از نام تپه‌ای در اورشلیم به نام صهیون، که در تورات نیز به آن اشاره شده است، به وجود آوردند.

بر اساس ادعاهای صهیونیسم، فلسطین موطن اصلی قوم یهود است که "خدا" به عنوان "ارض موعود" به این قوم وعده داده است و به همین خاطر تمام یهودیان جهان باید به این منطقه آمده و در این محل زنده‌گی کنند و جهت پیش‌برد این سیاست، در تمام قلمرو دولت انگلیس، یهودیان تحت فشار قرار می‌گیرند که به فلسطین مهاجرت کنند و از همان زمان تاکنون دولت اسرائیل به موازات استثمار کارگران و زحمت‌کشان یهودی، به کشتار وحشیانه و بیرون راندن و آواره نمودن مردم عرب زبان مسلمان فلسطین پرداخته است. ناگفته نماند که تا به امروز نیز همه‌ی یهودیان جهان به این منطقه نیامده‌اند و جمعیت قابل توجهی از آنان که عده‌ای صاحب سرمایه‌های کلان و موقعیت‌های سیاسی - اجتماعی قدرتمند و تأثیرگذار خصوصاً در آمریکای شمالی و اروپا می‌باشند، همچنان در خارج از مرزهای این منطقه زندگی می‌کنند.

از آن جا که با پیدایش اسلام در شبه جزیره عربستان و توسعه و گسترش خشونت بار قلمرو آن، زبان و دین بسیاری از اقوام منطقه عربی و اسلامی شد و بنابراین، مردمان عرب زبان مسلمان نیز قرن های متمادی است که در فلسطین زنده گی می کنند، سرمایه های امپریالیستی آمریکا جهت پیش برد سیاست های شان مانند دیگر کشورهای منطقه در فلسطین نیز جریانات بنیاد گرای اسلامی را ایجاد می کنند که آخرین آن جریان حماس می باشد.

حرکت مقاومت اسلامی که اختصارن حماس نامیده می شود در سال ۱۹۸۷ به توصیه ی سرمایه های آمریکائی و توسط دولت اسرائیل و رژیم جنایت کار حاکم بر ایران به عنوان شاخه ی فلسطینی اخوان المسلمین در نوار غزه ایجاد می گردد. یکی از فرماندهان ارشد حماس در گفت و گو با روزنامه ی تایمز لندن می گوید: "ایران مادر ما بوده و به ما اطلاعات و تجهیزات نظامی داده و به لحاظ مالی از ما حمایت می کند."

عملیات حماس علیه دولت اسرائیل از یک سو اعتراضات و مبارزات مردم فلسطین را در چارچوب این سازمان دست ساز امپریالیسم آمریکا کانالیزه می کند و از سوی دیگر این منطقه را هم چنان در حالت جنگی - در راستای سیاست های جنگ طلبانه ی سرمایه های امپریالیستی - نگه می دارد.

در ادامه ی این سیاست ها، دولت اسرائیل در تابستان سال ۲۰۰۵ از منطقه ی غزه عقب نشینی می کند و نزدیک به ده هزار نفر از یهودیان، شهرک های ساخته شده توسط دولت اسرائیل را تخلیه می کنند.

در ژانویه ۲۰۰۶ حماس را در انتخابات پارلمانی پیروز می سازند و اسماعیل هنیه، رهبر حماس، به عنوان نخست وزیر توسط محمود عباس رئیس دولت خودگردان فلسطین منصوب می گردد. اما از آن جایی که قرار شده است که حماس فقط مجری سیاست های سرمایه های آمریکائی باشد، پس از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۰۶ با محمود عباس که مورد حمایت سرمایه های اروپائی است به جنگ می پردازد و اتحادیه ی اروپا نیز اعلام می کند تنها در صورتی کمک های چند صد میلیون دلاری خود را به فلسطین ادامه خواهد داد که حماس، دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد و به جنگ افروزی در این منطقه خاتمه بدهد.

با بروز این اختلافات، محمود عباس، اسماعیل هنیه را از نخست وزیری برکنار می کند و حماس نیز در سال ۲۰۰۷، نیروهای دولت خودگردان محمود عباس را از منطقه ی غزه اخراج می کند. در حال حاضر منطقه ی غزه توسط کابینه ی حماس به ریاست اسماعیل هنیه (نخست وزیر) اداره می گردد و منطقه ی غرب رود اردن توسط کابینه ی خودگردان فلسطین به ریاست محمود عباس اداره می شود.

جنگ اخیر میان دولت اسرائیل و حماس که به بهانه ی ربایش و قتل سه نوجوان اسرائیلی در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ آغاز شد برنامه ای از پیش تعیین شده ای بود که باید توسط این دو جریان وابسته به دولت امپریالیستی آمریکا اجراء می گردید تا اذهان عمومی از جنایات مزدوران موسوم به "داعش" منحرف گردد و این مزدوران در این فرصت مناسب خود را سازمان دهی کرده و ضمن تسلیح هرچه بیش تر آن ها از طریق تسلیم سلاح های سبک و سنگین و تجهیزات نظامی ارتش عراق به آنان به مناطق کردنشین سوریه حمله ور شوند.

از آن جایی که فلسطین در حال حاضر محل زنده گی کارگران و زحمت کشان عرب و یهودی است، حل مسئله ی فلسطین منوط به سرنگونی دولت صهیونیستی اسرائیل، سرنگونی رژیم های وابسته به امپریالیسم در کشورهای همسایه ی فلسطین و نابودی گروه ها و دسته جات بنیاد گرای اسلامی توسط مبارزات متحدانه ی کارگران و زحمت کشان عرب و یهودی و به رهبری یک جبهه ی انقلابی است.

**سر مقاله ی نشریه ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره ی ۲۳، شهریور ۱۳۹۳**

**بازگشت**